روایت شهید هنیه و زیاد نخاله از دورنمای عملیات طوفان الاقصی در غزه

این نبرد جز با پیروزی بر دشمن پایان نمی‌یابد

مقاومت فلسطینی را می‌توان در زمره ریشه‌دارترین جریان‌های مقاومت تاریخ جهان دانست. جریانی که در طول بیش از نیم قرن فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته و کتاب قطوری از رشادت‌ها، قهرمانی‌ها، فداکاری‌ها، مظلومیت‌ها و تجارب گران‌سنگ را پیش روی جهانیان قرار داده است.

کار خود را در غربت و مظلومیت، با سنگ آغاز کردند و امروز به جایی رسیده‌اند که ارتش مدعی شکست ناپذیری را علی‌رغم برخورداری از پیشرفته‌ترین فناوری‌های نظامی و اطلاعاتی و پشتیبانی تام و تمام دنیای غرب، به استیصال کشانده و مفتضح کرده‌اند.

یکی از رموز اصلی ماندگاری و سرزندگی این جریان، رهبران آن هستند. رهبرانی که پا به پای رزمندگان و مردم مقاوم و مظلوم فلسطین، در این راه پیش آمده و از دادن هزینه ابا نداشته‌اند. رهبری و فرماندهی در این مسیر، نه تنها راهی برای کسب قدرت و اعتبار و امن و آسایش نیست بلکه انتخابی آگاهانه و مسئولانه است که انتهایی سرخ و البته سرافرازانه دارد. همان راهی که مردان بزرگی همچون شیخ احمد یاسین، عبدالعزیز رنتیسی، فتحی شقاقی، صلاح شحاده، محمود المبحوح، سمیر قنطار، صالح العاروری و دیگران پیمودند و نامشان در دفتر مجاهدان راه آزادی قدس شریف جاودانه شد.

وقتی رئیس دفتر سیاسی حماس و دبیر کل جهاداسلامی کنار هم نشستند تا از مقاومت فلسطینی و طوفان الاقصی برایمان بگویند، گمان نمی‌کردیم این آخرین دیدار با مجاهد بزرگ، اسماعیل هنیه باشد. مردی که بیش از شصت تَن از اعضای خانواده‌اش را در راه آزادی فلسطین از دست داده و همچنان چون کوه محکم و استوار بود و در نهایت نام او نیز در دفتر سرخ شهادت به ثبت رسید. فقدان او بی‌شک اندوهی بزرگ و عمیق برجای گذاشته است اما پیروزی‌های بزرگ، هزینه‌های سنگین نیز به همراه دارد.

زیاد نخاله، دبیرکل جهاد اسلامی فلسطین: مردم فلسطین احساس می‌کنند که در منطقه متّحدانی دارند و این همان محور مقاومتی است که در حمایت از مقاومت فلسطین ایستاده است. این موضوع بسیار مهم است و به این روزهای جنگ ربطی ندارد، بلکه این یک رابطه طولانی بین جمهوری اسلامی و مقاومت در فلسطین، بین حزب‌الله و مقاومت در فلسطین و همچنین بین برادران ما در یمن است. همه این ملّت‌های منطقه مردمانی مسلمان، و در همبستگی و وابستگیِ متقابل هستند. لذا این وحدت موضع اسلامی در منطقه، از نظر روحی و از نظر عملی، در مقاومت ملّت فلسطین تأثیر بسزایی داشت.

آنچه می‌خوانید آخرین مصاحبه «مهمان عزیز ما» شهید اسماعیل هنیه در کنار یار دیرین او، زیاد النخاله دبیر کل محترم جهاد اسلامی است که ساعاتی پیش از شهادت این رهبر شجاع فلسطینی با رسانه KHAMENEI.IR انجام شده است.

حاج اسماعیل هنیّه و حاج زیاد نخاله! از شما تشکّر می‌کنم بابت فرصتی که در اختیار ما قرار دادید. درحالی‌که حدود ده ماه از عملیّات طوفان‌الاقصی سپری می‌شود، بخش دیگری از محور مقاومت حملاتش به قلب تل‌آویو را آغاز کرد و توانست تا حدود زیادی صهیونیست‌ها را تحت محاصره دریایی قرار دهد؛ همچنین، عملیّات در یمن و در جبهه شمالی باعث تخلیه شهرک‌های صهیونیست‌نشینِ آن منطقه شده است و ارتش رژیم صهیونیستی با یک شکست مواجه گشته است. علل و عوامل افزایش قدرت مقاومت با گذشت ده ماه از جنگ و محاصره چیست؟ در صورت ادامه جنگ، گام‌های آتی جبهه مقاومت در میدان‌های مختلف چه خواهد بود؟

آقای اسماعیل هنیّه: بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم. ابتدا از قلب جمهوری اسلامی ایران به مردم فلسطین و مقاومتِ شجاعانه آن‌ها در غزّه، کرانه باختری و همه جا درود می‌فرستم؛ همچنین، درود می‌فرستم به تمام جبهه‌های مقاومتی که پشتیبان طوفان‌الاقصی و یاور ملّت و مقاومت فلسطین هستند.

بدون شک، سرمایه‌هایی را که پشتوانه توانایی مقاومت در ایستادگی هستند می‌توان در سه اصل تصریح کرد:

اوّلین اصل، بنیاد ایمانی و اعتقادی است؛ شخصیّت ایمانی و جهادی‌ای که برگرفته از این مبدأ است و به مقاومت توانایی

استواری در میدان، بخشش، فداکاری، صبر و تحمّل پیامدهای این راه را داده است.

اصل دوّم، آمادگی نظامی است؛ قبل از طوفان‌الاقصی، در طول سال‌ها، یک آماده‌سازی بلندمدّت توسّط گروه‌های مقاومت وجود داشت که توانایی‌های خود را ایجاد کردند و این قابلیّت‌ها را توسعه دادند و امکاناتی را به دست آوردند تا بتوانند این نبرد و این حماسه تاریخی را ایجاد کنند. درست است که در توازن قوا بین ما و دشمن تفاوت بسیار زیادی وجود دارد، امّا توانمندی‌های داخلی مقاومت و کمک‌های محور مقاومت باعث شد بتوانیم این مسیر را ادامه دهیم.

اصل سوّم، ائتلاف‌های راهبردی مقاومت است؛ این مقاومت روابط خود را با محور مقاومت، با اجزای امّت، با عمق استراتژیک خود در میان این امّت و در این منطقه حفظ کرده و فراتر از آن، روابطش را با کشورها ـ چه در آمریکای لاتین یا در جاهای دیگر مانند روسیه، چین و جنوب آفریقا ـ برقرار کرده است. همه این‌ها باعث شد که در این موضوع، چترهای سیاسی برای مقاومت در شورای امنیّت و جاهای دیگر ایجاد شود.

من معتقدم این سه اصل که عبارتند از بُعد ایمانی، بُعد نظامی و بُعد سیاسی ـ یعنی ائتلاف‌های راهبردی ـ مدیون لطف خداوند متعال است که منبعِ پایان‌ناپذیریِ این مقاومت شجاعانه است.

همان‌طور که گفتید، تردیدی نیست که آنچه جبهه‌های مقاومت در لبنان، یمن و عراق انجام دادند و پیشرفت چشمگیر برادران انصارالله یمن در هدف قرار دادن تل‌آویو با یک پهپاد، یک تغییر کیفی در رویارویی با رژیم صهیونیستی از خارج از سرزمین فلسطین ایجاد کرده است.

ما بر این باوریم که در یک لحظه بسیار مهم و تعیین‌کننده هستیم. ما فرصت بسیار خوبی برای رسیدن به پیروزی داریم، ان‌شاءالله. اگرچه چالش‌هایی پیش روی ما وجود دارند که آسان نیستند ـ به‌ویژه شرایط انسانی مردم ما در غزّه، قتلِ‌عام‌ها، کشتارها، جنگ، نابودی، آوارگی، بی‌خانمانی و آنچه دشمن در کرانه باختری انجام می‌دهد ـ امّا ان‌شاءالله در مسیر پیروزی و به سوی پیروزی هستیم، به اذن خداوند متعال.

می‌خواهم همین سؤال را از جناب حاج ابوطارق[1] بپرسم. امروز می‌بینیم که مقاومت، قوی‌تر از ایّام آغاز طوفان‌الاقصی است. اگر جنگ ادامه پیدا کند، گام‌های آتی جبهه مقاومت، با توجّه به افزایش قدرت این جبهه، در میدان‌های مختلف چه خواهد بود؟

آقای زیاد نخاله: بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم. اوّلاً این استواری و پایداری مقاومت در مدّت ده ماه، ان‌شاءالله تا پیروزی ادامه خواهد داشت و متّکی به اندیشه و اساس اسلام و قرآن است که می‌فرماید: «هرچه توانایی دارید در برابر دشمنان، از نیرو و قدرت و اسب‌های ورزیده، برای جنگ با دشمن آماده سازید.»[2] این آماده‌سازی عبارت است از اوّلاً آماده‌سازی جامعه به شیوه‌ای سالم و مستحکم، بر اساس قرآن و فرهنگ اسلام؛ ثانیاً آماده‌سازی مناسب نیروهای مقاومت و آماده‌سازی مناسب آن‌ها برای مبارزه و جهاد. این دو نکته اساسی عامل اصلی پایداری جامعه فلسطین و مقاومت فلسطین در میدان است، و رزمندگان مقاومت و مجاهدین همچنان در میدان در حال مبارزه و امتحان هستند و فعّالیّت جهادی آن‌ها روزبه‌روز پیشرفت می‌کند.

علاوه‌بر این، جنایاتی که دشمن هرروزه علیه غیرنظامیان فلسطینی و علیه کودکان و زنان مرتکب می‌شود، انگیزه بزرگی برای جوانان و مجاهدان فلسطینی برای مجازات این دشمن است. شما شجاعت و دلاوری مجاهدین را در میدان می‌بینید که چگونه در یک دوره ده‌ماهه، با نیروهای اسرائیلی مقابله می‌کنند و به خودروهای نظامی و سربازان آنها خسارت وارد می‌کنند، به‌صورتی که جهان هرگز شاهد این نبوده که رزمنده‌ای به سمت خودروهای دشمن حرکت کند و مین و بمب را بر روی سقف‌تانک قرار دهد، درحالی‌که این صحنه ده‌ها بار تکرار شد و صحنه‌های بسیاری نیز وجود دارند که دوربین‌ها به دلیل شرایط میدان نبرد نتوانستند آن‌ها را ثبت کنند. این ایستادگی تاریخی مردم فلسطین، در منطقه نیز امتداد دارد و مردم فلسطین احساس می‌کنند که در منطقه متّحدانی دارند و این همان محور مقاومتی است که در حمایت از مقاومت فلسطین ایستاده است. این موضوع بسیار مهم است و به این روزهای جنگ ربطی ندارد، بلکه این یک رابطه طولانی بین جمهوری اسلامی و مقاومت در فلسطین، بین حزب‌الله و مقاومت در فلسطین و همچنین بین برادران ما در یمن است. همه این ملّت‌های منطقه مردمانی مسلمان، و در همبستگی و وابستگیِ متقابل هستند. لذا این وحدت موضع اسلامی در منطقه، از نظر روحی و از نظر عملی، در مقاومت ملّت فلسطین تأثیر بسزایی داشت.

ان‌شاءالله این جنگ جز با شکست دشمن خاتمه نمی‌یابد. نشانه‌های تجزیه در جامعه صهیونیستی در انظار عمومی در حال ظهور است و نشانه‌های وحدت فلسطین، وحدت مقاومت در میدان و سیاست نیز ظاهر است. چه دلیل بزرگ‌تری برای این موضوع جز اینکه امروز نهضت اسلامی در فلسطین، مجاهدین در فلسطین و نیروهای مقاومت در فلسطین، با یک‌صدا در مذاکرات و سیاست حضور دارند؟ و این گواه بر این است که مقاومت، ملّت فلسطین را در مقابله با اسرائیل متّحد کرد و ان‌شاءالله از یک پیروزی به پیروزی دیگر و پیروزی‌های دیگر خواهیم رسید، هر چقدر که مدّت جنگ طول بکشد.

جناب حاج ابوطارق! از زمان عملیّات طوفان‌الاقصی، شما چند بار با رهبر انقلاب اسلامی، امام خامنه‌ای (دام ظلّه)، دیدار کرده‌اید. در جریان این دیدارها، چه موضوعی بیش از موضوعات دیگر تکرار و بر روی آن تأکید شد؟ اهمّیّت این دیدارها را در رابطه با هماهنگی میان اجزای مختلف محور مقاومت، چگونه می‌بینید؟

آقای زیاد نخاله: اوّلاً بگویم که دیدار با رهبر معظّم انقلاب اسلامی برای مقاومت فلسطین تازگی ندارد و جمهوری اسلامی از بدو تأسیس، قیام و موجودیّت خود، همواره درهای خود را به روی مقاومت فلسطین و ملّت فلسطین باز کرده بود. دیدارهای حضرت آقا نیز به دلیل اعتقاد قلبی و عقلی ایشان و مواضع صریح و علنی در قبال مقاومت و نیز مواضع مخالف و مبارزگونه در قبال پروژه صهیونیستی در منطقه ادامه دارد. این مواضع نقش بسزایی در حمایت جمهوری اسلامی از مقاومت و همچنین در آغوش باز نیروهای مقاومت به جمهوری اسلامی داشت.

از این رو، بدون شک، دیدگاه و مواضع تاریخی مقام معظّم رهبری در تقویت جایگاه مقاومت و تقویت توانمندی‌های مقاومت نقش اساسی داشت و این اطمینان را حاصل کرد که جمهوری اسلامی همیشه در جایگاه صحیح و پشتیبان واقعی مقاومت در فلسطین قرار داشته باشد. به همین خاطر، همواره نقش بزرگ و تاریخی رهبر جمهوری اسلامی را در حمایت از مقاومت فلسطین حفظ کرده‌ایم و بر وحدت نیروهای مقاومت در فلسطین در مقابله با پروژه صهیونیستی تأکید می‌کنیم.

حاج اسماعیل هنیّه! همین سؤال را می‌خواهم از شما بپرسم. شما، در طول این مدّت، چند بار با رهبر انقلاب دیدار کرده‌اید. در این دیدارها، بر روی چه موضوعاتی تأکید شد؟ اهمّیّت این دیدار با رهبر انقلاب در چیست؟ به طور کلّی، اهمّیّت این دیدارها در زمینه هماهنگی میان جبهه‌های مختلف مقاومت در چیست؟

آقای اسماعیل هنیّه: اوّلاً تکرار دیدار با رهبر معظّم انقلاب در اینجا، در ایران، گواه جایگاهی است که مسئله فلسطین در ذهن رهبری و در ذهن مردم مسلمان ایران دارد، با توجّه به اینکه مسئله فلسطین مسئله اساسی و محوریِ امّت است. مسلّماً مسائلی هست که ایران را به خود مشغول کرده است، امّا مسئله فلسطین بالاترین اولویّت را در ذهن رهبری دارد.

موضوع دوّم این است که در جلسات، همواره به موضوعات مرتبط با ماهیّت این درگیری و ابعاد این مناقشه، چه در مسئله فلسطین و چه در منطقه، پرداخته می‌شود. علاوه‌بر این، به چگونگی استحکام و پایداری و قدرتمند ماندن مقاومت برای مقابله با این پروژه صهیونیستی نیز پرداخته می‌شود، چرا که اوّلین خطّ دفاعی منطقه و امّت، مقاومت در فلسطین است.

شهید هنیه: تردیدی نیست که آنچه جبهه‌های مقاومت در لبنان، یمن و عراق انجام دادند و پیشرفت چشمگیر برادران انصارالله یمن در هدف قرار دادن تل‌آویو با یک پهپاد، یک تغییر کیفی در رویارویی با رژیم صهیونیستی از خارج از سرزمین فلسطین ایجاد کرده است. ما بر این باوریم که در یک لحظه بسیار مهم و تعیین‌کننده هستیم. ما فرصت بسیار خوبی برای رسیدن به پیروزی داریم، ان‌شاءالله. اگرچه چالش‌هایی پیش روی ما وجود دارند که آسان نیستند - به‌ویژه شرایط انسانی مردم ما در غزّه، قتلِ‌عام‌ها، کشتارها، جنگ، نابودی، آوارگی، بی‌خانمانی و آنچه دشمن در کرانه باختری انجام می‌دهد - امّا ان‌شاءالله در مسیر پیروزی و به سوی پیروزی هستیم، به اذن خداوند متعال.

رهبر انقلاب آگاه هستند که خدای ناکرده هر گونه عقب‌نشینی و شکست برای مقاومت در فلسطین، در منطقه تأثیرگذار خواهد بود و به دشمن صهیونیستی اجازه نفوذ در این منطقه را می‌دهد. بنابراین، حمایت از مقاومت در فلسطین بر اساس یک وظیفه شرعی، اسلامی، انسان‌دوستانه و برادرانه است؛ همچنین، برگرفته از نگاه به ماهیّت درگیری با این پروژه صهیونیستی است، زیرا خطر آن محدود به فلسطین نیست، بلکه به تمام منطقه گسترش پیدا می‌کند. بنابراین، موضوع مقاومت همیشه مطرح است، در چگونگی حمایت از این مقاومت، توسعه این مقاومت، پشتیبانی از این مقاومت و تأمین توان مالی و نظامی برای این مقاومت.

موضوع سوّمی نیز همیشه مطرح است، و آن نقش محور مقاومت در پشتیبانی از این مقاومت است و اینکه جمهوری اسلامی چگونه می‌تواند توانمندی‌های مورد نیاز محور مقاومت و جبهه مقاومت را در بیش از یک سطح فراهم کند تا بتواند نقش مهمّی را ایفا کند، و آن پشتیبانی بسیار مهم از مقاومت در سرزمین فلسطین است.

شکّی نیست که امروز دیدار با حضرت آقا معنای دیگری هم پیدا کرده است، به‌صورتی که هیئت نهضت اسلامی فلسطین ـ یعنی هیئت حماس و جهاد اسلامی ـ یک هیئت مشترک بود و این نشان‌دهنده ماهیّت این رابطه و این برادری و این اتّحاد ایمانی و جهادی بین فرزندان پروژه اسلامی در سرزمین فلسطین است. این هم پیامی به امّت است که ما می‌خواهیم این امّت متّحد باشد؛ همان‌طور که امروز مقاومت متّحد است و نهضت اسلامی متّحد است، ما می‌خواهیم این امّت هم متّحد شود. معتقدم این پیام مهم بود و رهبر انقلاب با کمال قدردانی و افتخار به حضور یک هیئت مشترک فلسطینی ـ اسلامی در این دیدار نگاه کردند.

دیدار ما با رهبری نیز پس از دیدار با جناب رئیس‌جمهور صورت گرفت؛ در این دیدار، از مواضع ثابت جمهوری اسلامی مانند مسئله فلسطین در مقاومت شنیدیم و این برای ما یک منبع اطمینان بود که مسئولان می‌توانند تغییر کنند و مواضع می‌توانند جابه‌جا شوند، امّا سیاست ایران در این موضوع و درباره مقاومت ثابت است و تغییر نمی‌کند.

بابت این فرصت از شما تشکّر می‌کنم و از خداوند متعال پیروزی را برای مردم فلسطین خواستاریم.

۱. آقای زیاد نخاله
۲. سوره انفال، آیه ۶۰

صدری نیا مصطفی

انتقام از اسرائیل از منظر حقوق بین‌الملل

با گذشت حدود ۳۰۰ روز از جنایت جنگی رژیم منحوس صهیونیست علیه مردم مظلوم غزه، نه فقط شاهد عدم اقدام حکام عرب علیه این رژیم بودیم، بلکه بعضا با سکوت و برخی با تقویت این رژیم از رهگذر تداوم مبادلات تجاری و یا سیاسی غیر مستقیم در جنایات جنگی علیه این ملت زجر کشیده شراکت نمودند و این سکوت و یا محکومیت‌های سیاسی بی‌اثر، گستاخی مقامات صهیونیست را بدان‌جا رساند که علی رغم همه اصول پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل، مستقیما ترور مقامات مقاومت بالاخص رهبران آنان من‌جمله دکتر اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس را در حین ماموریت سیاسی در تهران در دستور قرار داده و ایشان را به مانند دیگر رهبران شاخص مجاهد مقاومت همچون سید عباس موسوی۱۹۹۲، شیخ احمد یاسین ۲۰۰۴، فتحی شقاقی ۲۰۰۷، صالح العاروری ۲۰۲۴ با هدف شکست روحیه مقاومت جبهه رزمندگان مقاومت به شهادت رساندند؛ اقدامی که از منظر حقوق بین‌الملل زمینه عکس‌العمل دارد.

۱-مطابق با ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد که اشعار می‌دارد: «در صورتی که یک عضو ملل متحد مورد تجاوز مسلحانه واقع شود هیچ‌یک از مقررات این منشور به حق طبیعی دفاع مشروع انفرادی یا اجتماعی تا موقعی که شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به‌عمل آورد لطمه وارد نخواهد آورد.» رژیم صهیون مرتکب تجاوز جنگی مسلحانه علیه تمامیت ارضی کشور ایران شده است، که مطابق با ماده ۵۱ مصرح در منشور سازمان ملل، ایران از حق دفاع مشروع برخوردار بوده و می‌تواند تا زمان تصمیم‌گیری شورای امنیت، رژیم صهیون را از طریق اقدام متقابل مورد تنبیه سخت قرار دهد که لازم است با توجه به تعلل شورای امنیت درخصوص صدور قطعنامه علیه رژیم اسرائیل به دلیل حمایت آمریکا از مسیر حق وتو از این رژیم، مانند حمله موشکی ۱۳آوریل ۲۰۲۴ به سرزمین‌های اشغالی که در پاسخ به حمله رژیم صهیون به ساختمان سفارت ایران در دمشق روی داد، هرچه سریع‌تر به تعبیر رهبر معظم انقلاب مجازات سخت رژیم صهیونیست توسط سپاه و ارتش محقق گردد.

۲- مطابق ماده ۱ کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی از جمله مامورین سیاسی مصوب ۱۹۷۳، که در تعریف مسئول سیاسی اشعار می‌دارد «رئیس کشور یا هر یک از اعضای گروهی که حسب قوانین اساسی کشور مربوطه وظایف رئیس کشور را اعمال می‌نمایند.» دکتر هنیه به عنوان رئیس دولت قانونی حماس محسوب می‌گردد که مطابق ماده ۲ این کنوانسیون (قتل و ربودن یا نوعی دیگر حمله علیه شخص یا آزادی شخص مورد حمایت بین المللی) قتل عمد آن توسط رژیم صهیون در خاک ایران اتفاق افتاده است که مطابق بند ۱ ماده ۳ همین کنوانسیون که اشعار می‌دارد «هنگامی که جرم در سرزمین آن کشور و یا در روی کشتی یا هواپیمای ثبت شده در قلمرو آن کشور واقع شود» دولت ایران می‌تواند به دلیل ترور دکتر هنیه با رعایت تشریفات آیین دادرسی بلافصل اقدام به طرح کیفرخواست جهت مجازات، علیه رژیم صهیون در دیوان بین‌المللی دادگستری و مقامات آن در دیوان کیفری بین‌المللی نماید.

اسماعیل هنیه مطابق با ماده ۲۹ کنوانسیون ژنو ۱۹۶۱ در موضوع حمایت دیپلماتیک به عنوان مامور سیاسی از مصونیت در قبال هر گونه تعرض از جانب عوامل تهدیدکننده چه داخل کشور میزبان و چه خارجی برخوردار بوده است چرا که وی با پاسپورت آبی(سیاسی) و به دعوت کشور ایران جهت انجام ماموریت سیاسی (شرکت در مراسم تحلیف رئیس جمهوری ایران و برگزاری جلسات سیاسی با مقامات نظام سیاسی ایران) وارد خاک ایران شده بود، لذا رژیم با خبط خود مطابق ماده ۲۹ کنوانسیون ژنو در حقوق دیپلماتیک مرتکب نقض ماده ۲۹ این کنوانسیون شده است که این نقض کنوانسیون نیز از جانب ناظر فلسطینی مستقر در سازمان ملل به عنوان نماینده ملت فلسطین قابل پیگیری در دیوان دادگستری بین‌المللی خواهد بود.

در خاتمه باید گفت رژیم صهیون به منظور اقناع افکار عمومی جامعه تروریستی خود در شکست فرسایشی در طوفان الاقصی و بقای نامشروع خود، چاره خود را در ترور هدفمند اشخاص مؤثر جبهه مقاومت می‌داند که این اقدامات تروریستی نه فقط چهره متوحش و جنایتکارانه رژیم را در نزد افکار عمومی جهان بیشتر نمایان می‌نماید بلکه زمینه همگرایی و تعجیل در معدوم نمودن این غده سرطانی از پیکره امت اسلامی را در ملت‌های آزاده مسلمان فراهم می‌نماید.

چرا باید اقدامات دولت سیزدهم ادامه پیدا کند؟

رهبر انقلاب، در مراسم تنفیذ حکم چهاردهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، ذیل توصیه به «رعایت اولویّت‌ها» در دولت چهاردهم، از لحاظ زمانی اولویّت را با مسائل اقتصادی دانستند، سپس توصیه کردند از دو منظر به حلّ مسائل اقتصادی پرداخته شود: یکی از منظر «مسائل کلان، اساسی و کلّی» و دیگری از منظر بهبود وضع معیشت مردم به عنوان یک کار «فوری و کوتاه‌مدّت». در پایان نیز ضمن تأکید بر ضرورت ادامه یافتن کارهای باارزشی که در دولت سیزدهم انجام گرفت، فرمودند: «کارهای دیگری هم باید اضافه بشود.»

امّا چرا اولویّت زمانی با مسائل اقتصادی است؟ چرا باید اقدامات دولت سیزدهم ادامه پیدا کند و کدام «کارهای دیگر» هستند که با شهادت رئیس‌جمهور فقید و پایان زودهنگام دولت سیزدهم، امکان اجرای آن‌ها فراهم نشد و حالا «باید اضافه بشود»؟

به لحاظ زمانی، امروز اولویّت با مسائل اقتصادی است؛ چون «اقتصاد یک نقطه کلیدیِ تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوّت و عامل مهمّ سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادّیات و معنویّات بشر اثر می‌گذارد. اقتصاد البتّه هدف جامعه اسلامی نیست، امّا وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدفها رسید.» بیانیّه «گام دوّم انقلاب» خطاب به ملّت ایران (۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

اقتصاد ایران، پیش از انقلاب اسلامی، به‌شدّت وابسته به صادرات نفت بود. بر اساس گزارش سالانه و ترازنامه بانک مرکزی ایران، در سال ۱۳۵۶، صادرات نفتی ایران برابر با ۲۳۵۰۰ میلیون دلار بود، درحالی‌که صادرات غیرنفتی کشور تنها ۵۰۰ میلیون دلار بود؛ یعنی تنها ۲ درصد صادرات کلّ کشور. همچنین، ترکیب آن ۲ درصد صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۵۶ نیز جالب توجّه است: ۵۱ درصد صادرات غیرنفتی ما کشاورزی بود، ۲۸ درصد نیز صادرات محصولات سنّتی مانند فرش، کفش و انواع پارچه بود و تنها ۲۱ درصد آن تولیدات صنعتی مانند پودر لباسشویی، صابون، وسایط نقلیّه و مانند این‌ها بود؛ یعنی چیزی حدود چهارهزارم کلّ صادرات!

پس از انقلاب اسلامی، ساختار اقتصادی ایران دگرگون شد. بر اساس بررسی آمارهای گزارش اقتصادی سالانه بانک مرکزی در سال ۱۳۹۷ ـ چهار دهه پس از انقلاب و در سال صدور بیانیّه گام دوّم ـ ارزش صادرات غیرنفتی به ۳۲۶۵۵ میلیون دلار در این سال رسید؛ این رقم معادل ۳۵ درصد صادرات کلّ کشور در سال ۱۳۹۷ و تقریباً ۶۳ برابر سال ۱۳۵۶ است. نگاهی به ترکیب صادرات غیرنفتی در این سال نیز جالب است: سهم بخش‌های کشاورزی و سنّتی از صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۹۷ برابر با ۱۶ درصد است و ۸۴ درصد باقی‌مانده به صادرات کالاهای صنعتی اختصاص دارد. با وجود این دگرگونی بزرگ اقتصادی در سال‌های پس از انقلاب، وضعیّت آمارهای اقتصادی در سال‌های دهه ۱۳۹۰ نشان می‌دهد هنوز مردم با مشکلات اقتصادی زیادی مواجه هستند و با آرمان «اقتصاد قوی» فاصله قابل توجّهی داریم.

یک دهه درس عبرت

آغاز دهه ۱۳۹۰ با تشدید تحریم‌های اقتصادی غرب علیه ایران همراه شد. سیاست‌های کلّی اقتصاد مقاومتی ـ که نقشه راه تحقّق اقتصاد «مولّد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا» است ـ در ابتدای این دهه ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ ابلاغ شد تا از طریق راهبرد «خنثی‌سازی تحریم‌ها» کشور را به آرمان «اقتصاد قوی» نزدیک‌تر کند. با این حال، کم‌توجّهی به این سیاست‌ها و شرطی‌شدن اقتصاد ایران نسبت به حلّ مناقشات هسته‌ای از طریق مذاکره و البتّه بدعهدی آمریکا، دهه ۱۳۹۰ را به درس عبرت تبدیل کرد. بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران، میانگین رشد اقتصادی در این دهه به ۰.۹ درصد کاهش یافت. همچنین، داده‌های بانک مرکزی (بخش تراز پرداخت‌ها) نشان می‌دهند صادرات غیرنفتی در این دهه، به طور میانگین، برابر با ۳۰۹۵۱ میلیون دلار بود و در این دهه تقریباً ثابت ماند. یک دهه «عقب‌ماندگی و به‌اصطلاح تعطیل نسبی مسائل اقتصادی» ۱۴۰۱/۱۱/۱۰ منجر به کاهش درآمد سرانه و افزایش فقر مطلق و نابرابری درآمدی شد. ضرورت جبران عقب‌ماندگی‌های اقتصادی این دهه همچنان مسائل اقتصادی را در اولویّت نگه داشته است.

الگوی هزار روزه

دولت سیزدهم با «تکیه به ظرفیّت‌های داخلی» ۱۴۰۳/۴/۱۷، «تمرکز بر کارهای زیربنایی»۱۴۰۲/۶/۸ و «فردا را قربانِ امروز نکردن» ۱۴۰۲/۶/۸ ، پس از یک دهه، اقتصاد را به ریل پیشرفت بازگرداند. بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران، در هزار روز خدمت دولت سیزدهم، میانگین رشد اقتصادی به ۵.۴ درصد رسید و میانگین صادرات غیرنفتی نیز در این دوره به ۵۰۸۰۰ میلیون دلار افزایش یافت. بر اساس گزارش بانک جهانی (Iran Economic Monitor, Spring ۲۰۲۴)، در همین دوره بیش از ۶ میلیون نفر از زیر خطّ فقر خارج شدند و بر اساس داده‌های بانک مرکزی ایران، نابرابری درآمدی (ضریب جینی) از ۰.۴۲ در سال ۱۳۹۹ به ۰.۳۶ در سال ۱۴۰۲ کاهش یافت. مجموعه عملکرد اقتصادی هزار روز خدمت دولت شهید رئیسی را می‌توان یک «الگوی هزار روزه» نامید. بررسی آمارهای اقتصادی در سه سال دولت سیزدهم نشان می‌دهد که اگر این دولت ادامه پیدا می‌کرد، به احتمال زیاد، «بسیاری از مشکلات کشور، عمدتاً مشکلات اقتصادی، حل می‌شد.» ۱۴۰۳/۴/۵به همین دلیل، توصیه رهبر انقلاب به دولت چهاردهم این است که کارهای باارزش دولت قبل ادامه پیدا کنند.

زمینه‌سازی برای مشارکت مردم

با وجود اقدامات باارزش دولت سیزدهم در حلّ مسائل اقتصادی، شهادت رئیس‌جمهور و پایان زودهنگام دولت سیزدهم امکان تلاش برای اجرای برخی توصیه‌های اقتصادی رهبر معظّم انقلاب از دولت قبل را سلب کرد. از جمله مهم‌ترینِ این توصیه‌ها زمینه‌سازی «مشارکت مردم» برای تحقّق هدف «جهش تولید» بود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند: «راه ورود مردم در عرصه‌های اقتصادی بایستی باز بشود؛ این، کشور را نیرومند می‌کند، اقتصاد را باثبات می‌کند. البتّه سیاستهای اصل ۴۴ بخشی از این قضیّه است، که سالها پیش این سیاستها ابلاغ شده و این سیاستها مستفاد از خود قانون اساسی است.» ۱۴۰۳/۱/۱۵ علاوه بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های ناصحیح اجرای سیاست‌های کلّی اصل ۴۴ و تلاش برای اجرای صحیح آن، وجه دیگر مشارکت مردم یافتن پاسخ برای این پرسش است که اگر آحاد مردم خواستند با «توان مالی، توان فکری و ذهنی، توان ابتکاری» ۱۴۰۳/۱/۱۵ خود وارد میدان اقتصاد شوند، چه باید بکنند؟ «یکی از وظایف مهمّ مسئولین این است که بنشینند زمینه‌های حضور مردم و مشارکت مردم در تولید را، در کار تولیدی را تبیین کنند و زمینه‌ها را آماده کنند.»۱۴۰۳/۲/